

## نقدی جفاکارانه و اهانت آمیز

عباس مسیب زاده



نقد دکتر باطنی بر کتاب "غلط ننویسیم" آقای ابوالحسن نجفی جنجال به پا کرد. پس از انتشار شماره ۳۴ هر گس از اهل کتاب و فرهنگ که با نویسندگان و مسئولان آدینه برخورد کرد، نخست حرف و بحثی که در میان آورد شیوه نقدی دکتر باطنی بود. موافقان اندک و مخالفان بسیار بودند. اما مایه مخالفت ایرادهای دکتر باطنی بر کتاب نبود، بلکه طرز برخورد او با نویسنده کتاب "غلط ننویسیم" بود. همینجا بگوئیم که آدینه نیز با چنین شیوه‌هایی موافق نیست، همچنانکه با برخوردهای مجامله‌آمیز. با این تاکید که هیچکدام از اینها را نمی‌توان و نباید بهانه‌ساز کردن آزادی نویسندگان کرد، چون شیوه برخورد بزودی از یادها می‌رود و تاثیر پایدار ندارد، آنچه می‌ماند و تاثیر درازمدت و پایدار می‌گذارد مغز سخن و ایرادهای واردی است که بر هر کتاب گرفته می‌شود. باری آنچه می‌آید نمونه‌ای جامع و "تیپیک" از مجموع نامه‌هایی است که در این زمینه دریافت شده است.

سردبیر محترم

نقد اهانت‌آمیز جناب آقای دکتر محمد رضا باطنی بر کتاب آقای ابوالحسن نجفی که بخش اول آن در شماره گذشته چاپ شد، به راستی غیرمنتظره بود و باعث تأسف. البته، چندی پیش جنابعالی مصاحبه‌ای از آقای باطنی چاپ کرده بودید که نشان می‌داد ایشان نسبت به مسائل زبان فارسی برخوردی بی‌مبالات و سهل‌انگارانه دارند، ولی اینکه ایشان در نقد خود به کتاب، مسائل شخصی را پیش بکشند و در حق مولف اینطور ناجوانمردانه داوری کنند خلاف انتظار بود. ایشان در ابتدا متذکر شده‌اند که قصد اسائه ادب ندارند، ولی لحن تحقیرآمیز و تمسخرهایی که کرده‌اند خلاف این را نشان می‌داد. کتاب آقای نجفی را که حاصل سالها کوشش محققانه است و از روی دلسوزی برای زبان فارسی نوشته‌اند با عبارتی چون "جنگی که با عنوان ربع‌انگیر... فراهم آورده‌اند" وصف کردن و مؤلف محترم را تلویحا "جاهل خواندن جز اسائه ادب چه می‌تواند باشد؟ آقای باطنی از یک طرف می‌فرمایند "به هیچوجه قصد ندارم که قدر و مقام علمی ایشان را دست کم بگیرم" و بلافاصله می‌نویسند آقای نجفی زبان‌شناس نیستند. و در خاتمه از کتاب ایشان با تعبیر "دسته‌گل به آب دادن" یاد می‌کنند. بنده انتقاد از کتاب را با انتقاد از شخصیت نویسنده خلط کردن صحیح نمی‌دانم، ولی چون آقای باطنی به شخص آقای نجفی اهانت کرده‌اند، می‌خواهم سؤالی را از ایشان بکنم. جناب آقای باطنی می‌دانند که آقای نجفی چند سال پیش کتابی نوشتند با نام

"مبانی زبانشناسی" و این کتاب به قول آقای دکتر حق شناس که لااقل در بعضی موارد مورد قبول آقای باطنی است و بر مقاله ایشان هم صحه گذاشته‌اند بهترین کتابی بوده که در این زمینه نوشته شده است. این کتاب چه بسا موجب رشک کسانی شده است که ادعا دارند که زبانشناسی ملک طلق ایشان است و در این حوزه هیچ‌کس حق نوشتن کتاب ندارد، و اگر بنویسد دست گل به آب داده است. البته، آقای باطنی این تنگ‌نظریها را ندارند، ولی از ایشان سؤال می‌کنم آیا کسی که از "ساخت و کار زبان" اطلاع کافی ندارد می‌تواند چنین اثری را بنویسد؟ در واقع انتقادی که آقای باطنی به شخص آقای نجفی کرده‌اند انتقادی است از مؤلف کتاب "مبانی زبانشناسی"، و ایشان تلویحا "خواسته‌اند بگویند که آقای نجفی حق نداشته است که درباره زبانشناسی کتابی بنویسد، چون از این رشته اطلاع کافی ندارد.

نقد آقای باطنی علاوه بر اینکه غیرمنتظره بود باعث تأسف بود، و برای اینکه علت این تأسف را بیان کنم لازم است به یک دعوی دیرینه میان زبانشناسان و استادان ادبیات فارسی اشاره‌ای بکنم. بسیاری از اشخاصی که به نحوی با این دو گروه آموزشی آشنایی دارند می‌دانند که در دانشکده ادبیات بسیاری از ادبای ما زبانشناسان را قبول ندارند، و بسیاری (یا شاید همه) زبانشناسان استادان ادبیات و ادبا را. بنده خودم جزو هیچ یک از این دو دسته نبوده‌ام، ولی همیشه فکر می‌کردم که زبانشناسان در تحقیقات و بحثهای خود به جای اینکه متکی به ذوق و ذوقیات باشند

از روشهایی استفاده می‌کنند که در علوم دقیقه به کار می‌برند. ولی رفتار و نحوه برخورد آقای باطنی به عنوان یک "زبان‌شناس" به راستی مرا در رشک و تردید انداخت، چون این رفتار و نحوه برخورد از یک عالم بعید است. و شاید هم اشکال کار در خود این رشته و وضعی باشد که این نیمچه علم در ایران پیدا کرده است. زبانشناسی رشته‌ای است که "علم بودن" آن محل تردید است. این تردید را در اصرار خود زبانشناسان در علمی جلوه دادن این رشته می‌توان ملاحظه کرد. این همه که زبانشناسان، و از جمله خود آقای باطنی در این مقاله، سعی می‌کنند که زبانشناسی را به عنوان یک علم معرفی کنند، هیچ‌گاه در یک فیزیک‌دان یا شیمی‌دان دیده نمی‌شود. فیزیک یک علم است (به معنای امروزی لفظ) و کسی هم درباره آن تردیدی ندارد و هیچ فیزیک‌دانی هم از این بابت دغدغه‌خاطری ندارد. ولی زبانشناسان مدام در گوش خلق الله فرو می‌کنند که ما عالمیم و زبانشناسی هم علم است. این همه کوشش برای چیست؟ آقای دکتر باطنی در همین مقاله به این سؤال پاسخ داده‌اند. برای اینکه آن را چماقی کنند و بر سر هر کسی که می‌خواهد از سلامت زبان و فصاحت و بلاغت

زبان‌شناسی است ولی Linguistics نیست .  
 ظاهراً "کسانی که اول بار لفظ  
 را به زبان‌شناسی ترجمه کرده‌اند یا غافل  
 بوده‌اند یا خواسته‌اند رندانه همه‌کسانی را  
 که دربارهٔ زبان مطالعه می‌کنند از گردونه  
 خارج کنند . به هر حال ، زبان‌شناسی عام‌تر از  
 Linguistics است . ادبا ولو اینکه بسا  
 Linguistics کاری نداشته باشند ، زبان  
 شناس‌اند . در واقع سخن‌شناس و زبان‌شناس  
 همانها هستند و اگر تاکنون کاری برای زبان  
 فارسی انجام گرفته است به دست همان ادبای  
 خودمان بوده است و الا ما از امثال آقای  
 باطنی چیز چشمگیری جزافاده و "علم‌فروشی"  
 و متلک و تحقیر ندیده‌ایم .

من گمان می‌کردم که علت خصوصیت  
 بعضی از ادبا با "زبان‌شناسان" به دلیل عدم  
 اطلاع ایشان از شیوه‌های جدید تحقیق است .  
 ولی ظاهراً "علت این خصوصیت در حقیقت  
 جهل عده‌ای از این مدعیان زبان‌شناسی است .  
 بنده در اینجا همهٔ زبان‌شناسان را مقصر نمی‌دانم .  
 هر کس که اندک آشنایی با ادبیات ارزشمند  
 و زبان فارسی داشته باشد ، خواه زبان‌شناس  
 باشد و خواه نه ، به اهمیت این زبان واقف  
 است و نگهداری و نگهداری از آن را یک وظیفهٔ  
 فرهنگی و ملی می‌داند . بی‌اعتنایی نسبت  
 به ادبیات فارسی و سابقهٔ این زبان از جانب  
 کسانی دیده می‌شود که آشنایی عمیقی با این  
 ادبیات ندارند و کتابهایی که به این زبان  
 خوانده‌اند از کتابهای احمد کسروی جلوتر  
 نمی‌رود .

جناب آقای باطنی در ابتدای مقالهٔ  
 خود کتاب "غلط‌نویسیم" و "مؤلف آن را  
 تخطئه کرده‌اند" و سپس چند مورد جزئی را  
 با لغت و لغاب به عنوان شاهد مدعای خود  
 ذکر کرده‌اند . پاسخ این موارد جزئی را خود  
 آقای نجفی بهتر از هر کس می‌توانند بدهند .  
 ولی به هر حال ، حتی اگر این موارد همگی  
 درست باشد (که درست نیست) به نظر بنده  
 از ارزش کار محققانهٔ آقای نجفی نمی‌گاهد .

در خاتمه ، امیدوارم که مقالهٔ "اهانت‌آمیز  
 و جفاکارانهٔ جناب آقای باطنی موجب رنجش  
 خاطر شریف آقای ابوالحسن نجفی که شخصیتی  
 است بزرگوار و مورد احترام همهٔ اهل قلمی  
 که ایشان را از دور و نزدیک می‌شناسند نشود  
 و از اینکه ناجوانمردانه مورد طعن دیگران واقع  
 می‌شوند دل‌سرد نشوند و به کار خود همچنان  
 ادامه دهند تا بلکه ما نیز در زبان فارسی  
 بتوانیم یک فرهنگ جامع و راهگشا برای  
 دشواریهای زبان فارسی داشته باشیم ، فرهنگی  
 که مشابه آن در بسیاری از زبانهای زندهٔ  
 دنیا ، از جمله انگلیسی و فرانسه نیز وجود  
 دارد .

چهار شعر از مسعود احمدزاده

قناری بی را می‌مانیم  
 که ناگزیری نان  
 به قفس اندرش کشید :  
 از تنگنایی چنین  
 آوازی چنان  
 بال نمی‌گشاید .



از خانه بیرون می‌شویم -  
 پیش از طلوع  
 و به‌خانه باز می‌آییم -  
 از پس غروب :  
 گردهٔ ثانی مجالمان نداد  
 تا قرص آفتاب را  
 ببینیم .



گفتند :  
 بال‌ها  
 به سر پناهی  
 و صدات  
 به ثانی :  
 بی هر سخنی  
 بال‌زنان و آواز خوان  
 در برهوت یخین  
 ناپدید شد .



پرندهٔ آوازه‌خوان  
 از شاخه فرو افتاد  
 در انبوه برف :  
 گودک گنگ  
 پیشانی به شیشه داد و  
 زار گریست .



گفتار دفاع کند بگویند ، برای اینکه ادبیات  
 را تخطئه کنند ، برای این که ادبا را جاهل  
 بخوانند ، برای اینکه هرگونه هرزگی را در  
 کاربرد زبان جایز بدانند ، برای اینکه گردن  
 خود را بالا بگیرند و بگویند " اجازه بدهید  
 غلط‌نویسیم " .

اگر زبان‌شناسی این است ، و اگر زبان‌شناسان  
 کارشان این است که به کسانی که از روی بی‌دقتی  
 و بی‌مبالاتی مرتکب اشتباه و خطا می‌شوند  
 اعتماد به نفس بدهند و زبانی را که ارزشمندترین  
 سرمایهٔ فرهنگی ماست به لجن بکشند و هر  
 غلطی را مباح کنند ما این نیمچه علم را  
 می‌خواهیم چه کنیم ؟ اصلاً " از کی تاحال  
 Linguistics زبان‌شناسی شد ، ولی کاری  
 که ادیبان و نحویان و سخن‌شناسان ما می‌کرده‌اند  
 غیر زبان‌شناسی است ؟

اشباهی که در زبان فارسی صورت گرفته  
 است ترجمه Linguistics به زبان‌شناسی  
 است . معنای Linguistics دقیقاً زبان‌شناسی  
 نیست Linguistics نوعی از زبان‌شناسی  
 است . برخورد خاصی است با زبان . معنی  
 "زبان‌شناسی" در زبان فارسی وسیع‌تر از معنای  
 Linguistics در زبان‌های اروپایی است .  
 نقد شعر و بطور کلی نقد ادبیات هم از جهاتی